

بررسی کشتارگاهی عوامل انگلی ضبط کبد گوسفند، کشتارگاه میاندواب، آذربایجان غربی

جمشیدی، ک.

دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

خلاصه

بیماری های انگلی در گوسفند حائز اهمیت فراوان بوده و در این میان آلودگی انگلی کبد از جایگاه ویژه ای برخوردار است، که باعث حذف کشتارگاهی کبد و ضررهای اقتصادی می شود. در این تحقیق که در کشتارگاه شهرستان میاندواب و در طول ۳ ماه پاییز سال ۱۳۹۴ صورت گرفت، کبدهای متعلق به ۱۰۴۱ گوسفند نر پرواری ذبح شده، مورد بازرسی و معاینه پس از کشتار قرار گرفت. در مجموع ۱۱۶ (۱۱/۱۴٪) مورد کبد ضبط گردید، که ۹۴ مورد (۸۱/۰۳٪) آلوده به انگل دیکروسلیوم دندریتیکوم، ۷ مورد (۶/۰۳٪) آلوده به انگل فاسیولا هپاتیکا، ۹ مورد (۷/۷۶٪) آلوده به کیست هیداتید و ۶ مورد (۵/۱۷٪) آلوده به انگل سیستی سرکوس تنیاکولیس بود. نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان می دهد که در مجموع انگل دیکروسلیوم دندریتیکوم بیشترین علت ضبط انگلی کبد در بین گوسفندان کشتاری در شهرستان میاندواب (۸۱/۰۳٪) به خود اختصاص داده است.

کلمات کلیدی: گوسفند، کبد، ضایعات انگلی، کشتارگاه.

۱. گروه پاتو بیولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سمنان، ایران.

*نویسنده مسؤول: k.jamshidi@iau_garmsar.ac.ir

مهمترین قدم در پیشگیری از خسارات ناشی از ضیبا آرایش دامی، شناسایی نوع و فراوانی ضایعات مربوطه می باشد. بخش عمده غذای مورد استفاده بشر، بویژه پروتئین، از حیوانات اهلی تامین می شود، و به همین دلیل گوسفند به عنوان اقتصادی ترین منبع پروتئین یا منشأ حیوانی نقش حائز اهمیتی در صنعت پرورش دام به خود اختصاص داده است. بنابراین ارتقا و بهبود وضعیت کیفی و کمی پرورش گوسفند نقشی غیرقابل انکار در تامین نیازهای پروتئینی بشر بازی می کند (امین فر و همکاران، ۱۳۹۰).

بهداشت گله‌های دام به عوامل مختلفی از جمله روش‌های دامپروری، اعمال روش‌های بهداشتی و پیشگیری از بیماریها در گله، پایش، جداسازی و درمان بیماران و حضور و نظارت مستقیم دامپزشکان و کارشناسان بهداشت مواد غذایی با منشأ دامی بستگی دارد. بنابراین با توجه به ارزش تغذیه‌ای کبد (غنی از آهن و محل ذخیره برخی ویتامینها) از زمان پرورش دام تا رسیدن آن برای مصرف مراحل متعددی طی می‌شود، در صورتی که اگر از بهداشت در هر مرحله غفلت شود خطراتی را برای مصرف کننده ایجاد می‌نماید. بیماری‌ها و ضایعات کبد و ریه متعدد هستند، یکی از فراوان‌ترین ضایعات موضعی کبد و ریه کیستهای انگلی هستند که از این میان می‌توان به کیست هیداتید اشاره کرد. در گوسفندان اغلب کیست‌ها در ریه و کبد مشاهده می‌شوند. در گاو و اسب معمولاً بیش از ۹۰٪ کیست‌ها در کبد یافت می‌شوند. هیداتیدوزیس یکی از بیماریهای مشترک انسان و دام است که در مناطقی که دامپروری رواج دارد در انسان و دام نیز شیوع بیشتری دارد. این بیماری از عوامل آلودگی انگلی انسان و خسارت اقتصادی در بین دامهای اهلی محسوب می‌گردد، که در نواحی مختلف دنیا نظیر آسیا، استرالیا، آفریقا، آمریکای جنوبی و آمریکای مرکزی با سیستم پرورش گوسفند، بز و گاو کامل شناخته شده است. هیداتیدوزیس در مناطقی که پرورش گوسفند، بز و گاو به صورت سنتی می‌باشد و گله داری به کمک سگ گله در مراتع و چراگاهها اداره می‌شود، رایج‌تر است. وجود کیست هیداتید در ریه‌ها و کبد معمولاً بدون علامت می‌باشد و بیشتر آلودگیها در بازرسی پس از کشتار مشخص می‌شوند. در صورت آلودگی شدید کبد علائمی از قبیل نارسایی کبد، لاغری پیش رونده، اسهال، آدم، کم خونی، زردی، نفخ، آسیت و بزرگی کبد دیده می‌شود. در آلودگی شدید ریه‌ها، علائم کاهش ظرفیت تنفسی، افزایش تعداد تنفس، سرفه، لاغری و کم خونی دیده می‌شود. در آلودگی کلیه‌ها علائمی نظیر نارسایی کلیه، کاهش حجم ادرار، افزایش دفعات ادرار دیده شده و در موارد آلودگی شدید باعث اورمی و مرگ می‌شود. با توجه به غیر اختصاصی بودن علائم بیماری، تشخیص قطعی معمولاً پس

از کشتار صورت می‌گیرد. دیکروسلیوم و فاسیوال از ترما تودهای شایع در مجرای صفراوی می‌باشند که از حیوانات مختلف مانند گاو، گاو میش، شتر، گوسفند، بز، بالغ، خرگوش وحشی، گراز جدا شده اند. تغییرات ایجاد شده در کبد شامل تورم مجاری صفراوی و تخریب پارانشیم کبد است. در آلودگی شدید و طولانی، فیبروز شدید مجرای صفراوی، سفت شدن و عضلانی شدن، چروکیده و اسکلروزه شدن کبد و لبه‌های آن دیده می‌شود. سایر علیم شامل آنمی، آدم، الغری، در موارد پیشرفته سیروز، انبساط مجرای صفراوی و تزاید سلولی می‌باشد. نشانی‌های آلودگی اغلب مخفی و غیر اختصاصی می‌باشند (اسلامی، ۱۳۷۰؛ ارسخانی امیر اباد، ۱۳۷۴).

اکثر بیماری‌های میکروبی به علت آنکه علائم کلینیکی مشخص دارند قابل تشخیص و درمان می‌باشند. و همچنین با بکارگیری برنامه‌های دقیق و موثر واکسیناسیون می‌توان آن‌ها را کنترل و تا حد ریشه کنی عمل نمود. ولی بیماری‌های انگلی ویژگی‌های خاص خود را دارند، این بیماری‌ها از آنجایی که دارای ویژگی‌های متفاوت اپیدمیولوژیک و بیولوژیک مانند گسترش وسیع، تنوع آنتی ژنی، و دارا بودن مکانیزم‌های فوق العاده متفاوت در مقابل دستگاه ایمنی، می‌باشند، مشکلات بسیاری را در راه ساخت واکسن‌های موثر بوجود آورده اند. مقادیر بسیار زیاد از تولیدات و فرآورده‌های دامی همه ساله به دلایل مختلفی در کشور ما نابود می‌شود که در این میان نقش بیماری‌های انگلی در بروز این خسارات بسیار چشمگیر است. علاوه بر این بیماری‌های انگلی علاوه بر کاهش تولید محصولات دامی، با انتقال از دام به انسان، می‌توانند به عنوان تهدیدی جدی برای سلامت و بهداشت جامعه عمل کنند (اسلامی، ۱۳۷۰؛ ارسخانی امیر اباد، ۱۳۷۴؛ امیریگی، ۱۳۷۲).

بررسی‌های کشتارگاهی همواره به عنوان یک عامل مهم در شناسایی و کنترل بیماری‌های عفونی و قابل سرایت و ریشه کنی آنها در سراسر جهان بشمار می‌آید. مطالعات کشتارگاهی در خصوص بررسی میزان آلودگی‌های انگلی از نظر بهداشتی و خسارت‌های اقتصادی ناشی از آن از گذشته همواره مطرح بوده است (بکایی و همکاران، ۱۳۷۸).

هدف اصلی این مطالعه بررسی شیوع عوامل انگلی حذف و ضیبا کبد گوسفندان کشتار شده در کشتارگاه شهرستان میاندواب و ارزیابی مقایسه‌ای نتایج حاصله با نتایج تحقیقات مشابه در سایر نقاط کشور می‌باشد.

مواد و روش کار

در این کار تحقیقاتی کشتارگاه شهرستان میاندواب به عنوان نمونه

ناف کبد که مجاری صفراوی فراوانی دارد داده شد و سپس با وارد کردن فشار روی پارانشیم کبد در دو طرف محل برش انگل ها در صورت وجود آلودگی از لومن مجاری صفراوی و پارانشیم کبد خارج می شدند.

سیستی سرکوس تیناکولیس مرحله لاروی تنیا هیداترینا می باشد که حضور آن در نشخوارکنندگان اهلی و وحشی در سراسر جهان گزارش شده است این سیستی سرکوس یک انگل شایع گوسفند در ایران می باشد. کیست های سیستی سرکوس تیناکولیس به صورت کیسه های پر از مایع که داخل آن یک پروتواسکولکس منفرد وجود دارد مشاهده شد.

نتایج

در این بررسی از تعداد ۱۰۴۱ کبد بازرسی شده در مجموع ۱۱۶ (۱۱/۱۴٪) مورد ضبط گردید، که از این تعداد موارد ضبطی؛ ۹۴ مورد (۸۱/۰۳٪) آلوده به انگل دیکروسلیوم دندریتیکوم، ۷ مورد (۰۳/۰۶٪) آلوده به انگل فاسیولا هپاتیکا، ۹ مورد (۰۳/۰۶٪) آلوده به کیست هیداتیک، و ۶ مورد (۵/۱۷٪) آلوده به انگل سیستی سرکوس تیناکولیس بود (جدول ۱، اشکال ۱ - ۴).

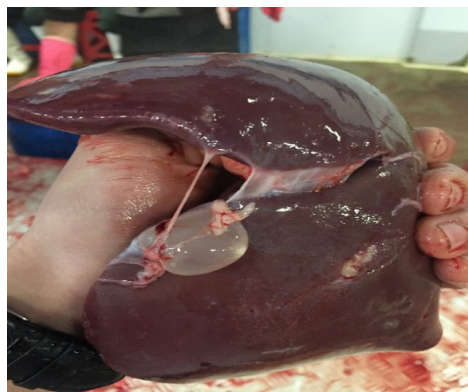
ای مناسب از کل استان آذربایجان غربی انتخاب شد. در این بررسی که در طول ۳ ماه پاییز سال ۱۳۹۴ و به منظور تعیین عوامل انگلی ضبط کبدهای گوسفندان کشتاری در کشتارگاه شهرستان میاندواب صورت پذیرفت، در مجموع از ۱۴ بار مراجعه حضوری به کشتارگاه، کبد های متعلق به ۱۰۴۱ گوسفند ذبح شده، از هر دو جنس نر و ماده، مورد بازرسی و معاینه پس از کشتار قرار گرفت.

به منظور اجرایی سازی عملیات بازرسی روی کبد گوسفندان کشتاری پروسه بازرسی از همان مرحله اول یعنی مشاهده ماکروسکوپی آن شروع شد. بدین ترتیب که ابتدا کبدها بلحاظ ماکروسکوپی مورد مشاهده و ملامسه قرار می گرفتند. سپس علاوه بر تعیین جنسیت دام، مشخصات ظاهری هر کبد مثل رنگ، قوام، اندازه، وجود یا عدم وجود کیست، پرخونی و خونریزی به صورت جداگانه ثبت شد.

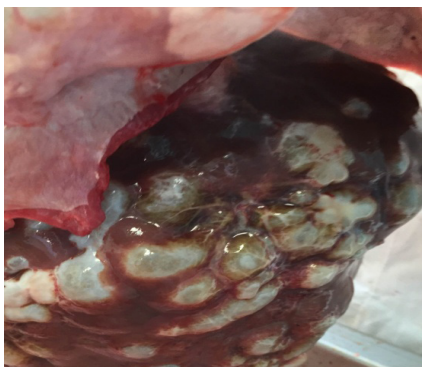
کیست های هیداتید براحتی قابل رویت و ملامسه کردن هستند و کبدهای مبتلا به کیست هیداتید اغلب دارای یک یا چند کیست در اندازه های متفاوت بودند که هم در سطح کبد قابل رویت بودند و بعضا به درون عمق پارانشیم کبد نفوذ کرده بودند. در بازرسی کبد به منظور بررسی وجود یا عدم وجود ترماتودها (فاسیولا هپاتیکا و دیکروسلیوم دندریتیکوم) ابتدا شکافی در قسمت



شکل ۲. کبد گوسفند، انگل فاسیولا هپاتیکا، مجاری صفراوی



شکل ۱. کبد گوسفند، کیست سیستی سرکوس تیناکولیس



شکل ۴. کبد گوسفند، کیست هیداتیک



شکل ۳. کبد گوسفند، دیکروسلیوم دندریتیکوم

تعداد دام کشتاری	جنسیت	تعداد	حذفی	عامل انگلی ضبط کبد گوسفند		
				سیستی سرکوس تیناکولیس	فاسیولا هیاتیکا	دیگروسلیوم دندریتیوکوم
۱۰۴۱	نر	۸۶۴	۸۷	۳	۶	۷۵
	ماده	۱۱۷	۲۹	۳	۱	۱۹
جمع		۱۰۴۱	۱۱۶	۶	۷	۹۴
			% ۱۱/۱۴	% ۵/۱۷	% ۶/۰۳	% ۸۱/۰۳
			% ۱۰/۰۷	% ۳/۴۴	% ۶/۹	% ۸۶/۲۰
			% ۲۴/۷۸	% ۱۰/۳۴	% ۳/۴۴	% ۶۵/۵
			% ۲/۴۴	% ۲۰/۶۸	% ۴/۹	% ۲۰/۶۸
			% ۷/۷۶	% ۵/۱۷	% ۶/۰۳	% ۸۱/۰۳

جدول ۱. میزان مطلق و درصد آلودگی انگلی کبدهای ضبط شده گوسفندان در کشتارگاه میانواب پاییز ۱۳۹۴

بحث

در شرایط فعلی گوسفند به عنوان منبع اصلی تامین کننده گوشت قرمز در سطح کشور مطرح می باشد به طوری که سالانه ۳۸/۸٪ گوشت قرمز تولیدی در ایران از محل پرورش گوسفند حاصل می گردد بنابراین برای تامین نیازهای پروتئینی کشور بایستی در بهبود وضع پرورش این دام اقدامات ضروری و اساسی صورت پذیرد و در این راستا شناخت و تشخیص بیماری های گوسفند از وظایف خطیر دامپزشکان محسوب می گردد.

در این تحقیق کبد به عنوان با ارزش ترین آلاینش خوراکی گوسفند و بدلیل نقش آن در تغذیه انسان مورد توجه و بحث قرار گرفته است. وقوع آلودگی های انگلی در هر منطقه تحت تاثیر یک سیستم مالتی فاکتوریال است که شامل تاثیرات متقابل میزبان، انگل و محیط می باشد. آلودگی های انگلی تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد صنعت دامپروری دارد.

اگرچه پرورش نشخوارکنندگان کوچک قسمت اعظمی از صنعت دامپروری کشور را تشکیل می دهد ولی هنوز هم سیستم های دامپروری کشور با روش ها و اصول تکنیکی فاصله زیادی دارد. به عنوان مثال می توان به چرای دام ها در مراتع با پوشش گیاهی فقیر به همراه شرایط غیر بهداشتی جایگاه دام اشاره کرد، که شرایط پرورش را حتی از حداقل های لازم نیز پایین تر می نمایند. به همین دلیل خسارات وارده ناشی از آلودگی های انگلی بویژه دیگروسلیازیس، هیداتیدوزیس و فاسیولیزیس ضرورت شناخت عوامل مؤثر در اپیدمیولوژی این بیماری ها را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. آلودگی انگلی دام ها نه تنها تهدیدی برای منابع گوشتی کشور است بلکه معضلی برای سلامت انسان های مصرف کننده نیز می باشد، لذا میزان آلودگی دام ها به بیماری های مشترک انگلی بین انسان و دام در هر منطقه می تواند شاخصی برای سلامت افراد آن منطقه بشمار آید (اسلامی، ۱۳۶۸؛ فلاح، ۱۳۸۸).

تمام انگل های یافت شده در این تحقیق قبلا در مطالعاتی که توسط محققان متعددی در مناطق با آب و هوای مشابه و غیر مشابه صورت

پذیرفته گزارش شده است.

فلاح در مطالعه خود (۱۳۸۸) با عنوان بررسی شیوع آلودگی به انگل های مشترک انسان و دام (کیست هیداتید، ترماتودهای کبدی، سیستی سرکوسیس) در دام های کشتاری در کشتارگاه صنعتی همدان در سال ۱۳۸۸، از مجموع ۳۵۰۰ راس دام کشتاری در این کشتارگاه، ۱۲/۳٪ را آلوده به کیست هیداتید، ۴/۹٪ را آلوده به فاسیولا هیاتیکا و ۶/۵٪ را آلوده به دیگروسلیوم دندریتیوکوم گزارش داد. ضمنا این محقق شیوع آلودگی به هیداتیدوزیس، فاسیولیزیس و دیگروسلیازیس در گوسفند را به ترتیب ۱۳/۷٪، ۴/۲٪ و ۶/۹٪ تعیین کرد (فلاح، ۱۳۸۸؛ سیاری، ۱۳۸۴).

در مطالعه دیگری با عنوان بررسی موارد انگلی ضبط کبد گوسفندی در کشتارگاه صنعتی ارومیه توسط ارسخانی امیر اباد (۱۳۷۴) از مجموع ۱۰۰۰۰ کبد گوسفندی مطالعه شده در طول یک سال، ۲۹۶۶ کبد آلوده به انگل را گزارش داد. از این تعداد کبد آلوده، ۱۵۸۱ (۲۹/۶۶٪) کبد به دیگروسلیوم دندریتیوکوم، ۱۰۱۲ (۱۰/۱۲٪) کبد به کیست هیداتید و ۳۷۳ (۳/۷۳٪) به فاسیولا هیاتیکا آلوده بودند (ارسخانی امیر اباد، ۱۳۷۴).

در تحقیق دیگری در کشتارگاه اهواز که در مورد شیوع کیست هیداتید و فاسیولیزیس در نشخوارکنندگان کوچک توسط سیاری و به مدت دو سال صورت گرفت، تعداد ۵۲۳ کبد آسیب دیده گوسفندی مطالعه شد که از این تعداد ۳۰۹ مورد (۷۹٪) آلوده به انگل فاسیولا هیاتیکا و ۱۰۷ مورد (۲۰/۴۵٪) آلوده به کیست هیداتید بودند (سیاری، ۱۳۸۴).

یخچالی (۱۳۸۰) در مطالعه خود در خصوص میزان شیوع هیداتیدوزیس در نشخوارکنندگان کشتار شده در شهرستان بانه کردستان از بازرسی لاشه ۴۰۱۱ راس گاو، ۴۳۳ راس بز و ۱۷۳ راس گوسفند، میزان شیوع این آلودگی انگلی در گاو گوسفند و بز را به ترتیب ۵/۶۹٪ و ۵/۲٪ و ۱/۸۵٪ گزارش داد (یخچالی، ۱۳۸۰).

نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان می دهد که در بین ترماتودهای کبدی، بیش از همه دیکروسلیوم دندریتیوکوم به چشم می خورد و پس از آن فاسیولا هپاتیکا مطرح بوده است، که این می تواند به دلیل فصل نمونه گیری باشد زیرا شیوع دیکروسلیازیس در پاییز بیشتر از سایر فصول است. در مجموع انگل دیکروسلیوم دندریتیوکوم بیشترین علت ضبط انگلی کبد در بین گوسفندان کشتاری در شهرستان میاندواب (۸۱/۰۳٪) بوده است. با توجه به اینکه در موارد آلودگی به دیکروسلیوم دندریتیوکوم بر خلاف فاسیولا هپاتیکا اقدام به ضبط کلی کبد می گردد لذا خسارات وارده از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. در هر دو جنس نر و ماده نیز این انگل بیشترین علت ضبط و حذف کبد گوسفندان کشتاری را به خود اختصاص داده است. پس از این انگل کیست هیداتید (۷/۷۶٪)، فاسیولا هپاتیکا (۶/۰۳٪) و سیستی سرکوس تیناکولیس (۵/۱۷٪) به ترتیب بیشترین عوامل ضبط و حذف کبد گوسفندان کشتاری در شهرستان میاندواب بوده اند. همانطور که از نتایج این تحقیق حاصل می گردد در کل بیشترین میزان آلودگی انگلی کبد متعلق به جنس ماده بوده است (۲۴/۷۸٪ در جنس ماده در مقایسه با ۱۰/۰۷٪ در جنس نر)

*با مقایسه نتایج حاصل از مطالعات فوق و نتایج مطالعه حاضر می توان چنین نتیجه گیری کرد:

۱. میزان آلودگی کبدگوسفندان کشتاری در نقاط مختلف کشور به اشکال متفاوت آلودگی انگلی با یکدیگر متفاوت بوده و از الگوی یکسانی طبیعت نمی کند. البته این موضوع کاملاً منطقی بوده و به سیر تکاملی انگل و وجود شرایط زیستی مطلوب در منطقه وابسته می باشد.

۲. تفاوت های آلودگی در مناطق با شرایط جوی یکسان باید مد نظر قرار گیرد و بدین ترتیب چنانچه در مناطق با شیوع پایین با استفاده از اقدامات دامپزشکی منطقه کنترل آلودگی صورت گرفت از آن به عنوان الگوی مناسب استفاده شود.

۳. با توجه به شرایط خاص منطقه از لحاظ پوشش گیاهی، وضعیت اقتصادی و سطح آگاهی نامطلوب دامداران، ناکافی بودن بودجه های حمایتی بخش دامپروری و عدم تخصیص یارانه های دولتی به این بخش از دامپروری بسیاری از سیاست های اجرایی قابلیت اجرایی ندارد.

۴. در شرایط کنونی می توان با بکارگیری روش های دارو درمانی دام های آلوده در گله های پراکنده روستائیان را درمان نمود و می توان مبارزه استراتژیک ضد انگلی را در مقایسه با سایر روش ها با هزینه پایینی همراه است را اجرا نمود تا وضعیت وخیم فعلی کاهش

در یک مطالعه گذشته نگر از سال ۱۹۹۹ لغایت ۲۰۰۴ که در استان فارس در خصوص بررسی میزان شیوع کیست هیداتید در احشام توسط انصاری لاری (۲۰۰۵) صورت گرفت، در مجموع کبد ۳۴۸۵۶ راس شامل گاو (۶۵۳۷ راس)، گوسفند (۲۵۳۳۱ راس) و بز (۲۹۸۸ راس) کشتاری تحت بازرسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در گاو ۲۶/۶٪، در گوسفند ۳۰/۵٪ و در بز ۱۹/۸٪ کبدها مبتلا به کیست هیداتید بودند (Ansarylari, ۲۰۰۵).

میزان شیوع سیستی سرکوس تینا کولیس در استان های مختلف ایران نیز متغیر گزارش شده است. نورانی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه خود با عنوان بررسی ضایعات آسیب شناختی ناشی از نوزاد سستود تینا هیداتژینا در گوسفند، در بازرسی لاشه ۳۴۰ لاشه گوسفند در دو کشتارگاه نجف آباد (۲۵۹ راس) و جونقان (۸۱ راس) به ترتیب در ۲۵/۴۸٪ و ۳۷٪ آلودگی به سیستی سرکوس تینا کولیس را مشاهده کردند. این کیست ها در نواحی آناتومیک مختلف شامل کبد، مزاتر، چادرینه، پرده صفاق و دیافراگم گزارش شدند و اختصاصاً به کبد تعلق نداشتند (نورانی و همکاران، ۱۳۹۳).

عریان و همکاران (۱۹۹۴) طی گزارشی اعلام نمودند ۲۸/۳۶٪ گوسفندان مورد مطالعه در استان فارس مبتلا به عفونت با لارو تینا هیداتژینا بودند (۱۵). در بررسی کشتارگاهی دیگری در کرمان، رادفر و همکاران (۲۰۰۵) میزان شیوع لارو تینا هیداتژینا را در گوسفند ۱۲/۸۷٪ گزارش نمودند که بیشترین آن در چادرینه مشاهده شد (Oryan و همکاران، ۱۹۹۴).

عزیز پور و همکاران در یک مطالعه کشتارگاهی در مریوان (۲۰۱۱) میزان آلودگی سیستی سرکوس تیناکولیس را در کبد گوسفند ۱۹٪، چادرینه ۳۳٪، دیوار شکم ۷/۵٪، ریه ۴٪، دیافراگم ۳٪، و قلب ۲٪ گزارش دادند (Azizpour Sarjeh و همکاران، ۲۰۱۱).

در ایران میزان شیوع سیستی سرکوس تیناکولیس در مطالعات مختلف بین ۲۸/۳۶٪ - ۱۲/۸۷٪ گزارش شده است (Oryan و همکاران، ۱۹۹۴؛ Radfar و همکاران، ۲۰۰۵). میزان آلودگی میزبانان واسط به سیستی سرکوس تیناکولیس تحت تاثیر عوامل بسیار زیادی قرار دارد که از آن جمله می توان به جمعیت سگ و سایر گوشتخواران منطقه که می توانند به عنوان میزبان نهایی سستود تینا هیداتژینا عمل نمایند، نحوه نگهداری و تغذیه سگ در منطقه، میزان آلودگی چراگاه ها و خوراک دامها با مدفوع میزبان نهایی، استفاده از داروهای ضد انگلی در میزبانان نهایی و واسط، رعایت اصول بهداشتی در کشتار دام و میزان دسترسی میزبانان نهایی به امعاء و احشاء آلوده و سن میزبانان واسط اشاره نمود (Radfar و همکاران، ۲۰۰۵؛ Senlik, ۲۰۰۸).

یابد.

۵. از آنجایی که انجام تست های سرولوژی و روش های تغلیظ آزمایش مدفوع میزان دقت در اندازه گیری شیوع واقعی انگل ها در یک منطقه را افزایش می دهد لذا توصیه می گردد در کشور ما نیز با استفاده از آنتی ژن های داخلی روش سرولوژیک جدید ابداع تا در تشخیص آلودگی به کار گرفته شود.

۶. در کل با توجه به تعداد بالای کبد گوسفندی ضبط شده در

کشتارگاه های مختلف کشور ضروریست ضمن اجرای پروسه های کاربردی در پیشگیری از ایجاد آلودگی ها، با تغییر روش های سنتی دامپروری و نگهداری اصولی دام ها بویژه در مناطق عشایری کشور، ارتقاء سطح فرهنگی دامپروران، بهینه کردن خدمات دامپزشکی و ابداع شیوه ها و روش های جدید در پیشگیری در جهت کاهش میزان آلودگی انگلی این دام با ارزش گام برداشت.



A slaughterhouse surveillance on prevalence of parasitic causes of sheep liver condemnation, Myandoab, West Azarbaijan

Jamshidi. K.

Received: 02.07.2017

Accepted: 14.09.2020

Abstract

Parasitic diseases in sheep are of high consideration and among these, liver parasitic infestation which are paid special attention, are diagnosed through post mortem or post slaughter examination and caused liver condemnation and economic losses. In the present study which was conducted in Myandoab slaughterhouse for a period of 3 months in fall 1394, livers belong to 1041 heads of male sheep were inspected postmortem. In general 116 (11.14%) livers were condemned, out of which 94 (81.03%) were infected with *D. dendriticum*, 7 (6.03%) with *F. hepatica*, 9 (7.76%) with *Hydatid* cyst, and 6 (5.17%) with *C. taenuiculis*. The results obtained out of this study revealed that the *D. dendriticum* was found as the most prevalent cause of liver condemnation in Myandoab abattoir.

Keywords: *sheep, liver, parasitic lesions, slaughterhouse*

1. Department of Pathobiology, Faculty of Veterinary Medicine, IAU Garmsar Branch, Iran

*Corresponding author: k.jamshidi@iau_garmsar.ac.ir

- امین فر**، ه. حبیبیان، ر. انوار، س.ا.ع.، سهرابی حقدوست، ن. رسولی، س. ۱۳۹۰. مجله پاتوبیولوژی مقایسه ای. **۸(۳)**، ۵۲۱ - ۵۲۸. **اسلامی**، ع. ۱۳۷۰ کرم شناسی دامپزشکی سستودها. چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ایران. ۸۰-۸۲
- ارسخانی امیرآباد**، ع. ۱۳۷۴. بررسی موارد انگلی ضبط کبد گوسفند در کشتارگاه صنعتی ارومیه. پایان نامه دکترای عمومی دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، ارومیه، ایران.
- امیربیگی**، ب. ۱۳۷۲. تحلیلی بر اپیدمیولوژی هیداتیدوز و آلودگی آن در انسان و دام در ایران. پایان نامه دکترای عمومی دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، ارومیه، ایران.
- بکایی**، س.، رکنی، ن.، حسینی، س.ح.، حسینی نسب، ز. ۱۳۷۸. بررسی شیوع ضایعات ضبط شده گوسفندان اعزامی به کشتارگاه لوسان. مجله دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران. **۵۴(۲)**، ۱۹-۲۳.
- اسلامی**، ع. ۱۳۸۶. کرم شناسی دامپزشکی ترماتودها. چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ایران. ۶۷-۶۹
- فلاح**، م. ۱۳۸۸. بررسی شیوع آلودگی به انگل های مشترک انسان و دام (کیست هیداتید، ترماتودهای کبدی، سیستی سرکوسیس) در دام های کشتاری در کشتارگاه صنعتی همدان. مجله پزشکی بالینی ابن سینا. **۱۷(۳)**، ۵-۱۲.
- سیاری**، م. ۱۳۸۴. بررسی مقایسه ای شیوع کیست هیداتید و فاسیولبازیس در نشخوارکنندگان کوچک در منطقه اهواز. مجله دامپزشکی ایران. **۳(۴)**، ۸۹-۹۵.
- یخچالی**، م. ۱۳۸۰. بررسی میزان شیوع هیداتیدوزیس در نشخوارکنندگان کوچک در شهرستان بانه کردستان در سال ۱۳۸۰. مجله دامپزشکی ایران. **۱۰(۱۲)**، ۸۸-۹۲.
- نورانی**، ح.، پیرعلی خیرآبادی، خ.، عزیزی، ح.ر.، داودپور، م.م.، سلیمی، م. ۱۳۹۳. بررسی ضایعات آسیب شناختی ناشی از نوزاد سستود تیا هیداترینا در گوسفند، نشریه میکروبیولوژی دامپزشکی. **۹(۱)**، ۱۵ - ۲۳.

Ansarylari, M. (2005): A retrospective survey on hydatidosis in livestock in Shiraz Iran based on abattoir data during 1999 – 2004. *Veterinary Parasitology*. **133(1)**: 119-23.

Oryan, A., Moghaddar, N., Gaur, S.N.S. (1994). Metacestodes of sheep with special reference to their epidemiological status, pathogenesis and economic implications in Fars province, Iran. *Veterinary Parasitology* **51**: 231 – 40.

Radfar, MH, Tajalli S, Jalalzadeh M (2005). Prevalence and Morphological Characterization of *C. tenuicollis*(*Taeniahydatigena*) from sheep and goats in Iran. *Vet. Arh.* **75**:469-496.

Azizpour Sarjeh, A., Rasoli, S., Alizadeh, Y.. (2011). Study on ovine *Cysticercus tenuicollis* contamination rate in Marivan slaughterhouse. The 1st international congress of large animal practitioners, Tehran, 101.

Senlik, B. (2008). Influence of hostbreed, sex and age on the prevalence and intensity of *Cysticercus tenuicollis* in sheep. *Journal of Animal and Veterinary Advances* **7**: 548-51.